

جایگاه مبانی صدوری تفسیر در حل چالش‌های تفسیری از منظر برخی مفسران^۱

بابک هادیان حیدری*

تاریخ دریافت: ۹۷/۶/۲۰

محمد شریفی**

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۷

چکیده

تفسیر و دریافت‌هایی از قرآن اندیشگان بسیاری از پژوهشگران را به خود معطوف ساخته است؛ اما دستیابی به تفسیری صحیح در قرآن نیازمند بررسی مبانی است که بی‌توجهی و ناآگاهی بدان‌ها بسیاری را در درازای کهن نگاری به دشواری‌هایی همچون تفسیر به رأی کشانده است. این نوشتار با روش توصیفی-تحلیلی به تشریح، تحلیل و کارآمدی مبانی صدوری تفسیر قرآن کریم در حل چالش‌های تفسیری از دیدگاه علامه طباطبایی و دو تن از شاگردان ایشان یعنی آیت‌الله جوادی آملی و آیت‌الله مصباح پرداخته است. آیت‌الله جوادی آملی و آیت‌الله مصباح یزدی به جهت تأثیرپذیری از استاد خویش اصل‌هایی از این مبانی صدوری را پذیرا شده‌اند؛ اما مهم‌ترین وجه تفاوت میان علامه با این شاگردان، در اصل تحریف ناپذیری است که آیت‌الله جوادی آملی چپ‌سورده‌ها را توقیفی و جمع و تدوین قرآن را به زمان حیات پیامبر (ص) دانسته است که این خلاف نظر علامه بوده و در بخشی دیگر از این اصل این شاگرد، استدلال علامه را در اثبات تحریف ناپذیری ناکارآمد و ناکافی می‌داند.

کلیدواژگان: وحیانی بودن، تأثیرپذیری، تحریف ناپذیری، جامعیت.

^۱ این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد است.

* دانشجوی کارشناسی ارشد، الهیات و معارف اسلامی - علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مازندران.

applehdsahab@gmail.com

m.sharifi@umz.ac.ir

** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مازندران.

نویسنده مسئول: محمد شریفی

مقدمه

دانشمندان و پژوهشگران در دهه‌های اخیر توجه بسیاری بر این موضوع داشته‌اند که مباحثی از رشته‌های علوم انسانی را با قرآن تطبیق دهند تا در این تطبیق به ره‌آوردهای تازه‌ای دست یابند. قرآن کریم کتاب هدایت و سعادت به سوی کمالات است که بشر برای بهره‌مندی از این کتاب آسمانی نیازمند به شناخت اصول و مبانی است که ناآگاهی از آن‌ها بسیاری از مفسران را به گذرگاه‌های انحرافی کشانده است.

بی‌گمان یکی از مفسرانی که در سده‌های بازپسین در میان شیعیان بدین مبانی صدور تفسیر توجه بسیاری داشته، علامه طباطبایی است که نقش مهمی را در احیای این مبانی تفسیر ایفا نموده است؛ ناگفته نماند که در پیشگاه علامه شاگردان بسیاری پرورش یافته‌اند که سرآمد پژوهشگران روزگار خویش به حساب می‌آیند؛ اما به جهت آنکه بررسی تمامی این شاگردان گستردگی را لازم می‌آید که در این مجال به اختصار دیدگاه علامه با دو تن از شاگردان ایشان یعنی *آیت‌الله جوادی* و *آیت‌الله مصباح یزدی* پرداخته و سعی شده به سؤالات ذیل پاسخ داده شود:

- مبانی تفسیر چگونه می‌توانند دریافته‌های صحیح در حوزه‌ها بهره‌وری از قرآن و حل چالش‌های تفسیری داشته باشند؟

- نقاط اشتراک و افتراق *آیت‌الله جوادی آملی* و *آیت‌الله مصباح یزدی* با علامه *طباطبایی* در مبانی صدور تفسیر چیست؟ این نقاط اشتراک و افتراق چه تأثیری در حل چالش‌های تفسیری دارند؟

ضرورت و اهمیت موضوع مبانی تفسیر از دو جهت است: نخست آنکه، این مبانی زیربنای فکری هر مفسری را شکل می‌دهد؛ از همین روی، دانستن آن بر هر مفسری واجب است و دوم آنکه، فهم و تفسیر قرآن بدان وابسته است؛ بدین معنا که اگر مفسری بدون شناخت این مبانی وارد تفسیر شود، به‌نوعی مرتکب تفسیر به رأی شده است.

پیشینه تحقیق

درباره پیشینه این موضوع پایان‌نامه و مقالاتی نگاشته شده است از جمله:

ناجی، نعمت‌الله. (۱۳۹۶ش). بررسی نقدهای آیت‌الله جوادی آملی بر آراء تفسیری علامه طباطبایی در سوره‌های مائده و انعام (پایان‌نامه کارشناسی ارشد چاپ‌نشده)، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، شیراز- ایران

سویزی، علی محمد. (۱۳۹۱ش). مبانی و روش‌های تفسیر قرآن به قرآن اجتهادی در المیزان (پایان‌نامه کارشناسی ارشد چاپ‌نشده)، دانشگاه قرآن و حدیث، ری- ایران

اما تفاوت این قلم، جامعه‌نگری و بررسی تطبیقی دیدگاه علامه طباطبایی و دو تن از شاگردان ایشان در حل چالش بهره‌وری از قرآن است.

مبانی صدوری تفسیر قرآن کریم

مبانی از ریشه «بنی» به معنای پیوستن اجزاء و مواد به هم برای ساختن بنایی به شکل ویژه که ممکن است مادی یا معنوی باشد (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۱ / ۳۷۱) و برخی آن را از بنی به معنای اصل (طریحی، ۱۳۷۵: ۱ / ۶۴) و برخی دیگر مبانی را جمع مبنی از ریشه «بنی» به معنای ساختمان، عمارت پنداشته‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۴۷؛ مطرزی، ۱۹۷۹: ۱ / ۸۷). در تعریف مبانی تفسیر چنین آمده که «مبانی تفسیر؛ شناخت‌ها و باورهای بنیادینی است که درباره قرآن و ویژگی‌های آن در چگونگی تفسیر و تعیین قواعد و روش آن تأثیر می‌گذارد» (بابایی، ۱۳۹۱: ۱ / ۱۲؛ شاکر، ۱۳۹۴: ۴۰)، برخی این مبانی را به دو دسته صدوری و دلالتی تقسیم کرده‌اند (شاکر، ۱۳۹۴: ۴۰) و برخی دیگر به دسته‌های بیش‌تری مطرح نموده‌اند (ر.ک. مؤدب، ۱۳۹۶: ۴۱)؛ اما به جهت تداخل برخی مباحث، مبانی تفسیر در دو دسته کلی مبانی صدوری و دلالتی بررسی می‌شوند. مبانی صدوری تفسیر مربوط به چگونگی صدور آیات قرآن است و با اثبات روشمند آن‌ها، صدور قرآن از سوی خداوند متعال قطعی می‌گردد (مؤدب، ۱۳۹۶: ۴۱-۴۰) یا به عبارت دیگر مبانی صدوری به آن گروه از مبانی گفته می‌شود که صدور قرآن موجود را به تمام و کمال از ناحیه خداوند متعال به اثبات می‌رساند (شاکر، ۱۳۹۴: ۴۰). این مبانی صدوری تفسیر در دو دسته قابلیت بررسی دارند که در این راستا به بحث گذارده می‌شوند.

وحيانی بودن الفاظ و معانی قرآن کریم

در موضوع وحيانی بودن قرآن دو پرسش مهم متصور است: نخست، آیا الفاظ و معانی قرآن کریم هر دو الهی‌اند یا تنها الفاظ یا معانی الهی‌اند؟ و دوم آنکه، دیدگاه علامه طباطبایی و شاگردان ایشان چه میزان از این چالش‌های تفسیری را چاره‌جویی می‌کند؟ در این باره سه اندیشه گوناگون وجود دارد: نخست، ابدیت الفاظ قرآن را انکار و برای اثبات نظر خویش کلام را عرضی دانسته و چون اعراض دوام ندارد پس کلام منتهی بدان نیز دوامی ندارد و این موضوع را به الفاظ قرآن تعمیم داده و گویند الفاظ قرآن نیز دوامی ندارند؛ از جمله این کسان، شیخ مفید و قاضی عبدالجبار هستند (مکدرموت، ۱۳۶۳: ۱۲۲-۱۲۱)؛ دوم، کسانی همچون نظام، هشام قَوطی و عَبَّاد بن سلیمان و ابواسحاق اسفرائینی در معتزله و سید مرتضی در شیعه‌اند که باور دارند اعراب جاهلی توانایی آوردن قرآن داشته‌اند؛ اما خداوند متعال این توانایی را از آنان ستانده است (حلبی، ۱۳۷۴: ۱۳۶؛ مکدرموت، ۱۳۶۳: ۱۱۸)؛ اندیشه سوم از آن بزرگانی همچون زرکشی و... است که باور دارند که الفاظ و معانی قرآن هر دو الهی و از سوی خداوند متعال فرو فرستاده شده است و فرشتگان و پیامبر(ص) در آن دخالتی نداشته‌اند (زرکشی، ۱۴۱۰: ۱/ ۲۹۴-۲۹۳؛ زرقانی، بی‌تا: ۱/ ۴۹). یکی از مهم‌ترین چالش‌های تفسیری در وحيانی بودن الفاظ و معانی قرآن دو دیدگاه نخست است.

لازمه وحيانی بودن قرآن تحدی است و لازمه تحدی، داشتن فصاحت و بلاغت است؛ زیرا با آنکه عرب زمان نزول، خبرگان فنون ادب عربی بودند و در اوج قله فصاحت و بلاغت قرار داشتند قرآن آنان را به عجز واداشت (روستایی، ۱۳۸۹: ۱۲۶) که این موضوع دلالت بر الهی بودن قرآن دارد. یکی از نشانه‌های الهی بودن قرآن آن زمانی است که بر حضرت زکریا(ع) وحی نازل شد که صاحب فرزند می‌شوی که در آن لحظه ایشان به خداوند عرض کرد که برای من نشانه‌ای قرار ده که آگاه شوم این سخنی الهی است که خداوند فرمود که سه شبانه‌روز قادر نخواهی بود که با مردم سخن بگویی و این خواستن و فرستادن نشانه دلیلی استوار بر الهی بودن قرآن و راهی نیافتن شیطان در آن است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۸/۱۴). علامه طباطبایی ذیل آیه ۲۳ سوره بقره بلاغت را دلیلی بر وحيانی بودن الفاظ و معانی قرآن معرفی می‌کند (همان: ۱/ ۶۸-۶۶) و ذیل آیه ۳۳ و ۳۴

سوره طور بدین امر تأکید می‌کند (همو، ۱۳۸۸: ۲۱). ایشان ذیل آیه ۱۴ سوره هود فرموده که ناتوانی در آوردن همانند قرآن را راهی جز یقین به الهی بودن قرآن نمی‌گذارد؛ زیرا اگر پس از استمداد از هر کس که توانستند دعوتش کنند، باز هم قادر نشدند با قرآن معارضه کنند این امر دلالت بر الهی بودن این کتاب آسمانی دارد (همو، ۱۳۹۰: ۱۰ / ۱۷۲).

یکی از نقاط برجسته در دیدگاه علامه طباطبایی در «المیزان»، ژرف‌نگری است که نمونه‌ای از آن ذیل آیات ۱۹۳ و ۱۹۴ سوره شعراء نمود پیدا کرده است، وی برگشت ضمیر «نزل به» در این آیه را به الفاظ دانسته است؛ بدین معنا که جبرئیل تنها معانی را نازل نکرده؛ بلکه الفاظ دارای چنین معانی حقه‌ای را وحی و ابلاغ نموده است (همان: ۳۱۶/۱۵). صاحب «المیزان» در الهی بودن قرآن موضوع وحی مطرح می‌کند و اقسامی از آن را برمی‌شمارد که «در آیه ۵۱ سوره شوری سه قسم وحی با کلمه «أو» به یکدیگر عطف شده و ظاهر این کلمه آن است که سه قسم مذکور با هم فرق دارند و باید همینگونه باشد، چون می‌بینیم دو قسم بازپسین را مقید به قیدی کرده یکی را مقید به حجاب و دیگری را به رسول؛ اما اولی را به هیچ قیدی مقید نکرده است و ظاهر این رویارویی آن است که مراد از قسم اول، سخن گفتن پنهانی باشد، سخنی که هیچ واسطه‌ای میان خدا و طرف مقابلش نباشد؛ در حالی که دو قسم دیگر قیدی زائد یا حجاب یا رسولی که به او وحی می‌شود میانجیگری وجود دارد» (همان: ۱۰۷/۱۸؛ الهی، ۱۳۸۹: ۶۴). علامه طباطبایی با مطرح کردن موضوع وحی در تلاش برای اثبات وحیانی بودن الفاظ و معانی بوده و در این گذر نیز از ژرف‌نگری منحصر به فرد بهره‌مند برده است و شاگرد ایشان آیت‌الله جوادی آملی نیز به جهت تأثیرپذیری از ایشان قرآن کریم را الهی دانسته که تمام خصوصیات لفظی و معنوی در رهگذر وحی آسمانی بر پیامبر (ص) نازل شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۴ / ۳۳۳).

ژرف‌نگری آیت‌الله جوادی آملی آنجا ظهور یافت که فرمود، انسان ممکن است بداند الفاظ برای چه وضع شده‌اند؛ اما به معانی بلند و کیفیت آن احاطه‌ای نداشته باشد؛ یعنی بشر مواد خام را دارد؛ ولی توانایی ساختن کلام فصیح همانند قرآن را ندارد (جوادی آملی، ۱۳۸۸ (ب): ۴۳۳/۲). این سخن آیت‌الله جوادی اشاره بدان دارد که بشر توانایی

آوردن الفاظ ظاهری دارد؛ اما الفاضلی با چنین روح معانی یارای هموردی با آن نبوده‌اند، مدعای سخن آن است تفاوت جملات و عبارات میان عرب جاهلی با برخی عبارات قرآن کریم آنچنان است که نمی‌توان آن‌ها را با یکدیگر مقایسه کرد؛ از این رو، آیت‌الله جوادی *آملی* می‌نویسد که سعی برخی از مفسران نامور فریقین از متقدمان و متأخران، مصروف مقایسه و ارزیابی ادبی از منظر فصاحت و بلاغت میان تعبیر رسای قرآنی ﴿وَلَكُمُ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ﴾ و عبارات‌های «القتل أنفی للقتل»، «أكثروا القتل ليقتل القتل» و مانند آن شده و هر یک به قدر حوصله زمان و زمین و زبان خود وجوه برتری متن قرآنی را بر عبارات‌های مجعول بشری بیان کرده‌اند، چنانکه شیخ طوسی چهار وجه، *فخر رازی* شش وجه و سرانجام *آلوسی* سیزده وجه را ارائه کرده‌اند؛ البته *سکاکی* به بعضی از مزایای آن پرداخته و شیخ طوسی متن قرآنی را با جمله «القتل أنفی للقتل»، معادل تفاوت آسمان و زمین دانسته است (همو، ۱۳۸۸ (ب): ۱۹۳/۹-۱۹۲). با استدلال چنین برداشتی صحیح می‌نماید که اعراب جاهلی واژگانی معادل واژگان و عبارات قرآنی داشته‌اند؛ اما کلماتی با چنین روح بلند معنایی که در قرآن فرو فرستاده شده را اعراب یارای مقابله با آن نبوده‌اند.

ژرف نگری دیگر ایشان آنجا نمود بیش‌تری یافته است که ذیل آیه ۴ سوره نجم فرموده «ینطق»، یعنی آن نطق پیامبر (ص) چیزی نیست مگر وحی، نه اینکه مقصود این باشد نطق پیامبر (ص) برابر با وحی است یا آنچه می‌گوید وحی باشد؛ بلکه این آیه می‌خواهد نکته دیگری افزون بر آنچه معروف است را بیان کند که تکلم الهی بودن قرآن است و گویا خداوند به رسولش فرموده است: «وما تکلمت ولكن الله تکلم» (همو، ۱۳۸۸ (الف): ۶۳-۶۴).

ایشان دیگر سنجه الهی بودن قرآن را هماهنگی و عدم اختلاف دانسته که هرگونه دوگانگی‌ای را از قرآن نفی و کلام الله بودن آن را ثابت می‌کند؛ البته این نفی تنها به اختلاف در گفتار بازمی‌گردد؛ بلکه هرچه به «الله» مرتبط و بدان بازمی‌گردد از اختلاف ایمن است (همو، ۱۳۸۹: ۱۱۶/۱۳؛ همو، ۱۳۸۴: ۲۶۵). یکی دیگر از جنبه‌های الهی بودن قرآن تحدی به آورنده‌اش یعنی رسول خدا (ص) است که اگر کسی شکی دارد همانند پیامبر درس ناخوانده و مکتب نارفته کلامی الهی بیاورد و اکنون که نمی‌تواند بیاورد پس

قرآن کلامی الهی است (همو، ۱۳۸۸ (ب): ۴۷ / ۱۷؛ همان: ۶۳۵ / ۱۹). از منظر آیت‌الله مصباح یزدی آیاتی که دلالت بر الهی بودن قرآن دارند در دو دسته کلی قرار می‌گیرند: الف. آیات بیانگر دلایل عقلی (آیات تحدی)؛ ب. آیات بیانگر دلایل نقلی (مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ۱۶۳/۱). وی در همین راستا سه دلیل عقلی را مطرح کرده است: نخست، با استناد به آیه ۸۸ سوره اسراء، عدم توانایی جن و انس و منکران در همانند آوری قرآن را از برای تحدی به خود قرآن در آوردن به یک سوره یا ده سوره دانسته است (همان: ۱۶۵/۱-۱۶۳)؛ دومین دلیل عقلی را تحدی به آورنده آن دانسته که در آیات ۲۳ و ۲۴ سوره بقره بر آوردن سوره‌ای همانند سوره قرآن از سوی شخصی درس ناخوانده و به مکتب نرفته همانند پیامبر (ص) را اشاره کرده است (همان: ۱۶۶ / ۱) و سومین دلیل عقلی را هماهنگی و عدم اختلاف در قرآن دانسته و ذیل آیه ۸۲ سوره نساء اشارتی بدین موضوع کرده که میان آنکه «از سوی خدا نبودن قرآن» و «یافتن ناهماهنگی فراوان در آن» ارتباط وجود دارد؛ هرچند در این آیه به صراحت همانند آوری مطرح نشده؛ اما تلویحاً بدین امر دعوت شده‌اند (همان، ۱۳۹۴: ۱۶۷/۱-۱۶۶) یعنی آیت‌الله مصباح یزدی چنین استدلال می‌کند که عدم اختلاف دلالت بر الهی بودن و عکس آن دلالت بر غیر الهی بودن این کتاب آسمانی دارد.

ایشان در دسته دوم از دلایل به الهی بودن الفاظ و معانی قرآن کریم، دلایل نقلی را اشارت رفته که وجود واژگانی همچون قرائت (قیامت/۱۸) و تلاوت (بقره/۲۵۲؛ جاثیه/۶) و ترتیل (فرقان/۳۲) و وجود اوصافی همانند «کلام الله» و «کلمات الله» و آیاتی چون آیه ۱۲ سوره احقاف دلالت بر الهی بودن الفاظ دارند، چون تعبیر لسان در این آیه بدین اشاره کرده (همان: ۱۲۴/۱)؛ البته ایشان از راه آیات تحدی به طور کامل بیان می‌کند که اعتقاد ما آن است که نه تنها الفاظ قرآن بلکه معنای آن نیز الهی است (همان).

نقد و بررسی

نخستین اصل در مبانی صدوری تفسیر، وحیانی بودن الفاظ و معانی قرآن است که آیت‌الله جوادی آملی و آیت‌الله مصباح یزدی به جهت تأثیرپذیری از استاد خویش اصل این مبنا را پذیرا شده‌اند و تحدی به فصاحت و بلاغت، ناتوانی در همانند آوری آیات یا

سوره‌های قرآن، وجود اخبار غیب، عدم اختلاف در نزول قرآن بر پیامبر و تحدی به آورنده آن از جمله دلایل الهی بودن الفاظ و معانی قرآن معرفی کرده‌اند که این موضوع از نقاط مشترک میان علامه با این شاگردان است؛ اما نکته مهم آن است که این دیدگاه نخستین بار به وسیله علامه مطرح نشده است؛ بلکه دانشمندان متأخری همچون زرکشی، زرقانی و دیگران پیش از علامه بدان پرداخته‌اند و علامه در دوره معاصر مجدد و احیای آن بوده و به جهت تأثیرپذیری شاگردان ایشان این دو اصل و مبنا در آنان ظهور و بروز پیدا کرده است و این دیدگاه دو چالش مهم تفسیری یعنی حادث بودن الفاظ قرآن و نظریه صرفه را حل می‌کند. پیروان حادث بودن الفاظ قرآن از برای آنکه لفظ عارضی دانسته‌اند چنین نتیجه گرفته‌اند که الفاظ قرآن نیز عارضی است؛ این در حالی است که بر اساس آنچه گذشت هم الفاظ و هم معانی قرآن هر دو الهی‌اند، آنگونه که الفاظ قرآن دارای روح بلند معنایی هستند که اعراب جاهلی خود یارای مقابله نبودند و این دلیلی بر رد نظریه پیروان صرفه است که استدلالشان ناظر بر این بود که خداوند مانعی ایجاد کرده که عرب نتواند همانند قرآن بیاورد؛ اما حتی با نادیده انگاشتن فرض بالا، با استناد به دیدگاه *آیت‌الله جوادی آملی* می‌توان گفت که اعراب جاهلی الفاضلی و عبارت هم‌معنا با قرآن داشته‌اند؛ اما تفاوت این الفاظ و عبارات با الفاظ و عبارات قرآن از زمین تا آسمان است؛ از این رو بر یک مفسر حقیقی واجب است قبل از ورود به تفسیر این اصل را در ابتدا امر پذیرا باشد تا بتواند گام‌های بعدی در تفسیر را استوارتر بردارد. وجه افتراقی که در این موضوع دیده می‌شود آن است که تأکید علامه بر الهی بودن لفظ است؛ در حالی که *آیت‌الله جوادی آملی* تأکیدشان بر معنا است؛ اما این سخن بدان معنا نیست که علامه همانند سخنی مشابه *جرجانی* را بیان داشته است (ر.ک: الرمانی، الخطابی، الجرجانی، ۱۹۶۸: ۱۴۱)؛ بلکه ایشان هر دو لفظ معنا را الهی می‌دانند و معتقد است قرآن بر هر دو تحدی کرده است؛ ولی لفظ را بر معنا مقدم می‌دارد.

تحریف ناپذیری قرآن

تحریف یا عدم تحریف قرآن یکی از شبهات مهمی که در طول قرن‌ها پیرامون قرآن مطرح شده است. هرچند انگیزه مقاله دستیابی به دیدگاه علامه طباطبایی و شاگردان

ایشان درباره تحریف ناپذیری قرآن است؛ اما به جهت آنکه روش علامه در «المیزان» چنین است که بدون پرداختن به اصل شبهه بدان‌ها پاسخ می‌دهد، لذا با معنای تحریف و انواع قول به تحریف به صورت فشرده آشنا می‌شویم و در پایان دیدگاه علامه و شاگردان ایشان و تأثیرات آن در حل این چالش تفسیری پرداخته می‌شود.

علامه واژه حرف را در آیه ۹ سوره حج به معنای طرف و جانب پنداشته است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۵۰/۱۴). وی ذیل آیه ۴۶ سوره نساء می‌گوید که تحریف کلام از جایگاهش یا تغییر جایگاه الفاظ به تقدیم و تأخیر و اسقاط و زیاده است - چنانچه به تورات موجود چنین نسبتی را می‌دهند - یا به تفسیر [غیر واقعی] آنچه درباره حضرت موسی(ع) در تورات و سائر پیغمبران(ع) آمده است. همانند آنچه درباره رسول خدا(ص) در تورات مزده داده شده است یا پیش از آن، درباره حضرت مسیح(ع) بشارت داده بودند (همان: ۳۶۴/۴). صاحب، تحریف در قرآن و کلام را تغییر کلمه در معنایش می‌داند (صاحب، ۱۴۱۴: ۸۲/۳). *راغب اصفهانی* می‌گوید: «تحریف در جایی است که کلام در ماده خود دارای دو احتمال معنایی باشد» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۲۸).

آیت‌الله معرفت در معنای اصطلاحی تحریف هفت وجه را مطرح کرده است: ۱. تحریف به مدلول کلام (معنوی)؛ ۲. تحریف موضعی؛ ۳. تحریف در قرائت قرآن؛ ۴. تحریف در نحوه ادای کلمات؛ ۵. تحریف به تبدیل کلمه؛ ۶. تحریف به نقصان؛ ۷. تحریف به زیادت (معرفت، ۱۴۳۳: ۱۹-۲۲).

نخستین زمزمه‌های تحریف در قرآن ابتدا توسط خلیفه دوم در واپسین روزهای زندگانی‌اش در خطبه پایانی‌اش در مدینه رخ داد و گفت: آیه «الشیخ والشیخة فارجموها البته» از آن گونه آیات قرآن بوده که در الآن وجود ندارد (ابن انس، ۱۴۲۵: ۱۲۰۳/۵، ح ۶۳۱). همچنین از *عایشه* نقل شده که نخست در قرآن «عشر رضعات یحرمی» وجود داشت که با «خمس رضعات» نسخ شده؛ در حالی که پیامبر(ص) وفات کرد و هنوز مردم این آیه را می‌خواندند (اللامردی، ۱۴۲۸: ۳۱). به نظر می‌رسد که عامل بنیادین در گزینش نظریه تحریف از سوی برخی نویسندگان نقش‌آفرین بوده در سه دسته قابل واگوش است: ۱. وجود روایات تحریف؛ ۲. ابهام در تاریخ گردآوری قرآن؛ ۳. کم‌رنجی طرح مسأله امامت در قرآن (معرفت، ۱۳۹۶: ۱۵).

علامه طباطبایی سیاق صدر آیه ۹ سوره حجر را حصر می‌داند و ظاهر حصر نیز ناظر بر گفتار مشرکان است که قرآن را هذیان و دیوانگی رسول خدا(ص) نامیده بودند. علامه معتقد است که این آیه دلالت بر مصونیت قرآن از تحریف دارد، چه تحریف به معنای دستبرد در آن به زیاد کردن و چه به کم کردن و چه به جابه‌جا نمودن؛ زیرا قرآن ذکر خداست و همانگونه که خدای تعالی ابدی است، ذکرش نیز ابدی است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۰/۱۲). وی ذیل همین آیه، طی هفت فصل دلایلی را به روشنی مطرح کرده که قرآن تحریف نشده است: در فصل اول، وجود اوصافی چون عدم اختلاف، ذکر بودن، نور بودن و... اشاره کرده است؛ در فصل دوم، پنج دلیل روایی از جمله حدیث ثقلین، عرضه و... را بیان می‌کند؛ در فصل سوم، تمامی دلایل و روایات مدعیان را مطرح و همه آن‌ها را از نظر سند و دلالت مخدوش می‌داند؛ در فصل چهارم و پنجم، مرحوم علامه جمع و گردآوری قرآن را در عصر / بوبکر و عثمان دانسته است؛ در فصل ششم، از مجموع فصل چهارم و پنجم چنین نتیجه می‌گیرد که صحابه آیات و سوره‌ها را در دوره پیامبر(ص) به صورت کامل جمع کرده و به نوعی ترتیب سوره‌ها را اجتهادی می‌داند؛ همچنین فصل هفتم، علامه روایات انشاء که از طریق عامه وارد شده را تماماً سست و بی‌پایه و اساس دانسته است (همان: ۱۲ / ۱۳۲-۱۰۴).

آیت‌الله جوادی آملی در اثبات تحریف ناشدن قرآن به دو آیه حفظ و نفی باطل استناد فرموده که بهترین شواهد قرآنی برای نفی هرگونه تحریف به شمار می‌رود با این تفاوت که آیه حفظ در سوره حجر ناظر به حفظ و صیانتی است که مبدأ فاعلی - یعنی خداوند - آن را تضمین کرده است؛ در حالی که نفی باطل در سوره فصلت ناظر به مبدأ قابلی - یعنی قرآن عزیز - آن را بر عهده گرفته است؛ چراکه عزت قرآن تجلی‌گاه عزت الهی است و آن مانع راهیابی دخل و تصرف در قرآن می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۳ (ب): ۶۸).

ایشان در بحث تحریف ناپذیری قرآن پیرامون دیدگاه علامه طباطبایی فرموده که دیدگاه حضرت استاد در علوم قرآنی و تفسیر همگی بر مبنای مراجعه به خود قرآن است (همان: ۸۱). همچنین اشاره دارد، علامه اذعان کرده که قرآن کنونی اوصافی دارد که با دعاوی اول قرآن هماهنگ است و هر ادعا از خود قرآن شاهد دارد؛ بلکه شاهد عین

مدعاست و کیفیت آیات قرآن شاهد صحت آن‌هاست. *آیت‌الله جوادی آملی* ادامه می‌دهد اینکه شاهد عین مدعاست آن ادعای عام که هر ادعایی از خود قرآن شاهد دارد را ثابت نمی‌کند؛ زیرا احتمال دارد قرآنی که در دوره نبوت و رسالت پیامبر(ص) آمده، دربرگیرنده ادعاهای دیگر و شواهد دیگری مطابق با آن ادعاها بوده باشد که مجموعاً از قرآن حذف شده که با این احتمال یکی از این دو حصر فرو می‌پاشد: ۱. تمام آنچه در مصحف کنونی است همه وحی آسمانی است و چیزی جز وحی الهی در آن نیست؛ ۲. تمام آنچه از وحی الهی نازل شده در مصحف کنونی گرامه است (همان: ۸۴-۸۳)؛ از این رو، *آیت‌الله جوادی آملی* می‌گوید با برهان علامه گرچه می‌توان اثبات کرد تمام آنچه در مصحف کنونی آمده همان قرآن نازل است؛ اما نمی‌توان اثبات کرد که همه آنچه از سوی خداوند فرو آمده در مصحف کنونی گرد آمده است (همان: ۸۵).

آیت‌الله جوادی آملی بر مناقشه برخی که استدلال‌ات علامه را تنها نفی‌کننده فزونی زیاد یا کاستی فراوان کارآمد می‌دانند و احتمال فزونی و کاستی اندک با دیدگاه علامه در قرآن قابل نفی نیست بر آن شوریده و این مناقشه را وارد ندانسته و گوید، علامه تحریف را به دو دسته مؤثر و غیر مؤثر در اوصاف قرآن تقسیم کرده و برهان خویش را به دسته اول می‌داند (همان: ۸۶-۸۵).

وی این اشکال را از استاد خویش دفع می‌کند؛ اما اشکال اول را به قوت خود باقی می‌گذارد تا ابراز کند که برهان علامه همه آنچه بر پیامبر(ص) نازل شده را اثبات نمی‌کند؛ بلکه ثابت می‌کند هر آنچه در مصحف کنونی آمده تحریف نشده است، پس این اشکال مطرح شده توسط *آیت‌الله جوادی آملی* بدان جهت است که فرموده استدلال به قرآن در نزاهت این کتاب الهی از گزند تحریف مقدور نیست؛ چراکه هرچند درباره آیه حفظ و آیه نفی بطلان و مانند آن مطالب مبسوطی ارائه شده و خواهد شد، لیکن با احتمال تحریف به کاهش در برخی از آیات دیگر، نه تنها حجیت آیه حفظ و نفی بطلان و... متزلزل می‌شود؛ از آن بالاتر استناد آن‌ها به خداوند متعال مورد تأمل قرار می‌گیرد (همان: ۹۶).

نکته قابل تأمل دیگر که در آثار *آیت‌الله جوادی آملی* ظهور و بروز دارد آن است که ایشان تلویحاً چنین سوره‌ها را توقیفی می‌داند (همو، ۱۳۸۸ (ب): ۴۵/۱۳) و اذعان

می‌کند که قرآن در دوران پیامبر(ص) به صورت کامل جمع و تدوین و مابین‌الدفعتین قرار گرفته است(همو، ۱۳۹۳(ب): ۱۶۴-۱۶۳).

مشابه این نظر را پس از آیت‌الله جوادی آملی، شهید مطهری در میان شاگردان علامه مطرح می‌کند(مطهری، ۱۳۹۲: ۱۲/۱). بر مبنای همین نظر، آیت‌الله جوادی آملی سه عامل تدوین قطعی قرآن در زمان رسول خدا(ص)، پشتیبانی و عنایت اهل بیت(ع) و اهتمام صحابه و سایر مسلمانان در حفظ و صیانت از قرآن، دلایل تحریف ناپذیری معرفی کرده است(جوادی آملی، ۱۳۹۳(ب): ۱۸).

آیت‌الله مصباح یزدی در اثبات تحریف ناپذیری قرآن از سه گروه شاهدهی یعنی شواهد تاریخی، عقلی و نقلی بهره می‌برد، وی در ادله تاریخی موارد زیر را مطرح می‌کند: ۱. حافظه شگفت‌انگیز عرب معاصر با قرآن و علاقه زاید الوصف آنان به قرآن از برای فصاحت و بلاغت و آهنگ معجزه‌آسای آن؛ ۲. انس فراوان مسلمانان با قرآن و حفظ و تلاوت آن؛ ۳. تقدس قرآن نزد مسلمانان و حساس بودن آنان نسبت به هرگونه تغییر در آن؛ ۴. دستورها و توصیه‌های ویژه پیامبر(ص) درباره تلاوت، کتابت، حفظ و گردآوری قرآن و اهتمام مسلمانان به این دستور است؛ ۵. مطرح نشدن تحریف قرآن در ضمن انتقاداتی که به زمامداران پس از رسول خدا(ص) شده است(مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ۳۱۵/۱). وی در بیان دلایل نقلی(قرآنی و روایی) موارد زیر را بیان کرده که وجود آیات تحدی و اوصاف قرآن مانند فصاحت، عدم اختلاف، عدم اشتغال بر مطالب نادرست و غیر آن نیز بر عدم تحریف آن دلالت دارد؛ زیرا با فرض وقوع تحریف، قرآن کریم فاقد این اوصاف خواهد بود؛ در حالی که بررسی‌ها نشان می‌دهد این اوصاف بر همه آیات قرآن کریم صادق است و این دلیل تحریف قرآن در آینده را نفی می‌کند(همان: ۳۱۶/۱-۳۱۵).

ایشان همچنین دلایل روایی تحریف ناپذیری قرآن را چنین مطرح کرده است: ۱. حدیث ثقلین که این روایت به صورت متواتر در منابع فریقین بیان شده است؛ ۲. روایات توصیه‌کننده به محور و محک قرار دادن قرآن در بازشناسی آراء، تمایلات و جریانات فکری و اجتماعی حق از باطل؛ ۳. روایات عرضه به قرآن و کنار گذاشتن روایات مخالف با قرآن(همان: ۳۱۴-۳۱۵/۱).

نقد و بررسی

دومین اصل در مبانی صدوری تفسیر قرآن پس از اعتقاد به وحیانی بودن الفاظ و معانی قرآن، تحریف ناپذیری این کتاب آسمانی است که علامه طباطبایی و شاگردان ایشان بر این باورند که قرآن از هرگونه تحریف مصون مانده است. همانگونه که در جای جای تفسیر «المیزان» به چشم می‌آید، مبنای علامه طباطبایی در تفسیر بر قرآن است، در موضوع تحریف ناپذیری قرآن علامه، تحدی، داشتن اوصاف همچون نور و... را دلیلی بر این موضوع معرفی می‌کند؛ البته ایشان حدیث ثقلین و... را به عنوان مؤیدی در جهت تأیید دیدگاه قرآنی خویش آورده است و این خروج از اصل نخستین علامه یعنی تفسیر قرآن با قرآن نیست. *آیت‌الله جوادی آملی* و *آیت‌الله مصباح یزدی* همانند استاد خویش همان دلایل قرآنی و روایی پیش گفته را مطرح می‌کنند و این وجه اشتراک میان علامه و این شاگردان است و همین امر یکی از چالش‌های مهم تفسیری یعنی تحریف قرآن را از بین می‌برد و یک مفسر با مبنا قرار دادن این دیدگاه می‌تواند از این چالش مهم گذر کند.

مهم‌ترین اشکال و وجه افتراق را *آیت‌الله جوادی آملی* بر علامه طباطبایی وارد کرده است که ایشان استدلال علامه که شاهد عین مدعاست را چنین ارزیابی می‌کند که نمی‌تواند آن ادعای عام که هر ادعایی از خود قرآن شاهد دارد را اثبات کند؛ یعنی این ادعای عام قابل دفاع نیست، به همین دلیل مهم‌ترین حصر در قرآن که هر آنچه بر پیامبر(ص) در مصحف کنونی واقع شده از بین می‌رود. وجه افتراق دیگر در همین اصل از مبانی صدوری تفسیر قرآن وارد شده آن است که علامه یکی از دلایل تحریف ناپذیری را آن دانسته که قرآن در زمان پیامبر(ص) تماماً نگاشته شده و پس از وفات آن حضرت جمع شده است؛ اما *آیت‌الله جوادی آملی* این دیدگاه را پذیرا نشده است و جمع، تدوین و مابین دو جلد قرار گرفتن قرآن را در زمان حیات پیامبر(ص) باور دارد که این سخن به صواب نزدیک‌تر است؛ چراکه با دیدگاه علامه نمی‌توان سخن برخی از دانشمندان که بحث تحریف را مطرح می‌کنند، چاره‌جویی کرد؛ زیرا مدعیان تحریف چنین استدلال می‌کنند آن زمانی که خلفا قرآن را جمع کرده‌اند چون انسان‌های معصومی نبودند، همه قرآن را گردآوری نکرده‌اند؛ اما با دیدگاه *آیت‌الله جوادی آملی* که قرآن در زمان

پیامبر(ص) جمع شده است، این اشکال بالا قابل حل است؛ البته شایان ذکر است که این دیدگاه علامه در جمع قرآن یک دیدگاه منحصر به فرد نیست؛ بلکه برگرفته از دیدگاه بزرگانی همچون سیوطی است؛ در حالی که دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی و شهید مطهری از شاگردان علامه در جمع قرآن تأثیرپذیری از نظر دانشمندانی همچون ابن‌نباری(ابن حجر، بی تا: ۳۹/۹)، سید مرتضی(طبرسی، ۱۴۲۶: ۱۵/۱)، طبرسی(همان)، جشمی(ایازی، ۱۳۷۸: ۱۶)، ابن شهر آشوب مازندرانی(۱۳۶۹: ۷۷/۲) و آیت‌الله خوئی است.

جامعیت قرآن کریم

از پرسمان‌های برجسته در قرآن، شناخت چارچوب و گستره سخنان این کتاب آسمانی است. پرسش مهم در این بخش آن است که گستره سخنان قرآن یک چارچوب ویژه را در بر می‌گیرد یا آنکه دامنه‌های گوناگون علوم انسانی یا فراتر از آن را در بر می‌گیرد؟ گروهی مخالف برداشت تازه از قرآن خارج از معانی معهود عرب نزول هستند و دلیلشان آن است که هرگونه برداشت خارج از قرآن به نوعی تفسیر به رأی و مخالف دین است و اینان کسانی همچون ابن‌حنبل و مالک ابن‌انس هستند(پارسایی و ایازی، ۱۳۹۱: ۶۲).

درباره گستره قرآن که از آن به جامعیت قرآن تعبیر شده چندین نگاه وجود دارد: نخست، گفتمان جامعیت مطلق که زرکشی، فیض کاشانی آن را مطرح کرده‌اند. انگاره زرکشی بر این درونمایه است که «قرآن علوم نخستین و واپسین را جمع کرده است»؛ از این رو، می‌نویسد: «آن کسی که خداوند متعال به او درک و فهم بخشایش کرده می‌تواند همه چیز را در قرآن استخراج کند تا بدان جا که گروهی مدت زندگانی پیامبر(ص) را که ۶۳ سال است از آیه ۱۱ سوره منافقون برداشت کرده‌اند؛ از برای آنکه در رأس سوره ۶۳ قرآن و پس از سوره تغابن واقع شده که بیان‌کننده غبن مردم به دلیل از دست دادن ایشان [پیامبر(ص)] است»(زرکشی، ۱۴۱۰: ۳۲۰/۲). فیض کاشانی نیز چنین نظری را مطرح می‌کند که تمامی علوم به صورت نامتناهی در قرآن آمده است(فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۵۸/۱)؛ اما این سخن یکی از چالش‌های مهم در تفسیر است که گروهی معتقد

بدین موضوع هستند که همه علوم در قرآن آمده است و این امر را نادیده انگاشته‌اند که مگر قرآن کتاب فیزیک، شیمی، ریاضی و گیاه‌شناسی و... است؟ پاسخ بدین پرسش بنیادین نیازمند بررسی دیدگاه گروهی از دانشمندان است که جامعیت قرآن را در راستای تبیین بودن آن در معارف دینی دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۲۸).

از منظر علامه طباطبایی هنگامی که قرآن تبیان هر چیزی است، پس تبیان همه چیزهایی که برگشتش به هدایت است همانند معارف حقیقی مربوط به مبدأ و رستاخیز و اخلاق فاضله و شرایع الهی و قصص و مواعظی که مردم در هدایت و راه‌یافتنشان بدان نیازمندند، نیز می‌شود (همو، ۱۳۹۰: ۱۲-۳۲۵-۳۲۴). ایشان چنین اعتقاد دارد که قرآن برای هدایت جهانیان نازل شده تا آن را به ضروریات اعتقادی، اخلاقی، معارف نظری راهنمایی کند و این حقایق به زمان و حالت خاص تعلق ندارد و تمامی احکام و فضایل و ردایلی که تشریح شده نه به فرد خاص و عصر معینی مقید نیست (همان: ۴۲/۱)؛ از برای همین، مرحوم علامه ذیل آیه ۱۰ سوره انبیاء مراد از «ذکرکم» را آخرین مرحله از معارف حقیقی می‌داند که بشر لیاقت درک آن را دارد و خداوند آن را فرستاده ولی انسان‌ها آن چیزی را می‌خواهند که امکان اجرای آن در جامعه وجود دارد (همان: ۲۵۵/۱۴).

علامه طباطبایی به نوعی جامعیت قرآن را در کلیات می‌داند که بیان جزئیات آن بر عهده رسول خدا (ص) و اهل بیت (ع) است (همان: ۱۲-۲۶۲-۲۵۹) و یا به عبارت دیگر همه کلیات که برای زندگانی انسان نیاز است در قرآن و جزئیات آن در سنت آمده و معارف عجیبی که از مقام علمی / امام صادق (ع) صادر شده است و عقل‌ها را سرگشته می‌سازد همگی از قرآن است (همان: ۷۱/۳). اینجاست که دیدگاه همسویی آیات و روایات جامعیت با حدیث ثقلین مطرح می‌شود و نقش قرآن را دلالت و راهنمایی به معانی و پرده‌برداری از معارف الهی است و نقش اهل بیت دلالت و رهنمایی به طریق و هدایت مردم به اهداف و مقاصد قرآن است (همان: ۸۸/۳-۸۶)؛ از این رو، می‌توان جامعیت در نگاه علامه طباطبایی را چهار قسم دانست: ۱. جامعیت قرآن به معنای کامل بودن گستره مسائل قرآن، در مقایسه با کتاب‌های آسمانی گذشته در همه جهات (همان: ۴۷/۱۳؛ حسینی، ۱۳۹۲: ۱۰)؛ ۲. جامعیت قرآن به معنای کامل بودن گستره مسائل

قرآن، در مقایسه با کتاب‌های آسمانی گذشته در چارچوبی خاص، همانند نیازهای هدایتی و امثال آن (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۴۸/۵)؛ ۳. جامعیت قرآن به معنای کامل بودن گستره مسائل قرآن، فی نفسه در تمام جهات (همان: ۶۰/۱-۵۹؛ همان: ۳۲۵/۱۲-۳۲۴)؛ ۴. جامعیت قرآن به معنای کامل بودن گستره مسائل قرآن فی نفسه و در تنگنایی خاص، همانند نیازهای هدایتی و امثال آن (همان: ۸۲/۷؛ کریمی، ۱۳۹۰: ۲۶۶).

کم و بیش این دیدگاه در میان شاگردان علامه ظهور یافته و *آیت‌الله جوادی آملی* باور دارد، خدای سبحان از جامعیت قرآن نسبت به همه اصول با عنوان «تبیان» یاد کرده است (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲۱) و یکی از اصول اعتقادی همه مسلمانان همین موضوع است (همو، ۱۳۹۳ (الف): ۲۱) که هر چیزی که در تأمین سعادت انسان‌ها سهم مؤثر واقع شده، در این کتاب الهی اشارت رفته است (همو، ۱۳۸۸ (الف): ۲۱؛ همو، ۱۳۸۵: ۱۹۰). وی جامعیت قرآن را دو محور ادله و عرصه‌های آن بررسی کرده (همو، ۱۳۹۳ (الف): ۹۷) و برجسته‌ترین ادله قرآنی بیانگر جامعیت این کتاب آسمانی را رسالت در هدایتگری، تبیان بودن و وجود همه چیز در قرآن و فروگذار نشدن هیچ چیز در آن برشمرده است (همان: ۱۰۶-۹۷).

وی چنین می‌انگارد که جهانی و جاودانه بودن این کتاب به گونه‌ای است که نه مرزهای جغرافیایی و حدود اقلیمی حوزه رسالت آن را مرزبندی می‌کند و نه مقاطع امتداد زمان بر قلمرو شمولی آن تأثیر دارد؛ از این رو، جامعیت این کتاب از مرزهای زمانی و مکانی فراتر است (همو، ۱۳۸۸ (ب): ۱۶۷/۱). پس قرآن کریم هرگز در محدوده سبب نزول و شأن نزول خود محصور نمی‌شود و گرنه کتاب الهی، جهانی و جاودانه نخواهد بود (همان: ۱/۲۳۳؛ همو، ۱۳۹۳ (ب): ۷۳)؛ از همین روی، جامعیت قرآن کریم پیوند تنگاتنگی با جهان شمولی و جاودانگی آن دارد؛ زیرا جامع‌نگری قرآن، سبب جهانی شدن این کتاب الهی و محدود نشدن آن در یک زمان یا مکان خاص می‌شود (همو، ۱۳۹۳ (الف): ۱۳۵). در نتیجه با ارزش‌ترین مباحث در زمینه عرصه‌های جامعیت قرآن در نگاه ایشان عبارت‌اند از: ۱. رهنمودهای فرازمانی و فرامکانی؛ ۲. فراگیری همه ابعاد وجود انسان؛ ۳. جامعیت نسبت به همه کتب آسمانی پیشین و پسین (ر.ک. همان: ۱۱۸-۱۱۰).

دیگر شاگرد علامه یعنی *آیت‌الله مصباح یزدی*، دیدگاه‌های متعدد در باب جامعیت قرآن را در سه دسته مطرح می‌کند که به قرار زیر است: ۱. جامعیت حداکثری به معنای آنکه قرآن بیانگر همه حقایق هستی است؛ ۲. جامعیت حداقلی بدین معنا که قرآن بیانگر همه امور مربوط به هدایت آخرتی بشر (ارزش‌ها و هنجارها) است؛ ۳. جامعیت در هدایت به سعادت دنیایی و آخرتی بدین معنا که قرآن در همه امور مربوط به هدایت انسان در سعادت دو جهان را بیان کرده است (مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ۲/ ۲۹۰). وی پس از نقد دو جامعیت مطلق و حداقلی، جامعیت هدایتی را پذیرفته است (همان: ۲/ ۳۰۲-۲۹۰). همچنین ذیل آیه ۸۹ سوره نحل فرموده که مفاد ظاهری آیه را مقصود خداوند نیست؛ بلکه ظاهر یکی از قرائن است؛ یعنی قرآن روشنگر هر چیزی است که در هدایت مردم نقش دارد (همان: ۲/ ۳۰۲). بر همین اساس چنین نتیجه گرفته که «مقصود از تبیان بودن قرآن، اعم از بیان ظاهری و باطنی است و بیان باطنی قرآن را کسی جز پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) درک نمی‌کند» (همان: ۲/ ۳۰۴). همچنین «تبیان کل شیء» آیه پیش‌گفته را چنین تشریح می‌کند که مقصود از «کل» و «شیء» عام و مطلق‌اند و واژه ترکیبی «کل شیء» با توجه به صدر و ذیل آیه بر همه چیز و همه حقایق هستی قابل تطبیق و بیانگر هر چیزی است که در عالم، وجود دارد (همان: ۲/ ۲۹۳). ایشان نیازهای انسان برای هدایت را به دو دسته تقسیم می‌کند: ۱. آنچه برای کسب سعادت، کمال یابی، هدایت و تربیت است؛ ۲. اموری که صرفاً به زندگی انسان مرتبط است و در جهت دستیابی به رفاه و آرمان‌های مادی او قرار دارد (همان: ۲/ ۳۰۳).

نقد و بررسی

جامعیت یکی از مؤلفه‌های مهمی است که نتیجه پذیرش دو اصل از مبانی صدور است. علامه طباطبایی باور دارد که محال است قرآن تبیان همه چیز باشد؛ اما بیانگر خود نباشد؛ بر همین اساس چنین برداشت می‌کند که قرآن جامع همه مسائل در هدایت و سعادت انسان است. *آیت‌الله جوادی آملی* و *آیت‌الله مصباح یزدی* از شاگردان علامه، به جهت تأثیرپذیری از استاد خویش این اصل را پذیرا شده‌اند. همین پذیرش یکی از چالش‌های مهم تفسیر در عصر حاضر است سعی بلیغ برخی در تطبیق تمامی

یافته‌های علوم تجربی بر قرآن، چاره‌جویی می‌شود؛ زیرا بر اساس دیدگاه علامه و شاگردان ایشان قرآن کتاب هدایت بشر است و مشمول همه مباحث مرتبط با آن می‌شود؛ از همین روی یک مفسر می‌تواند با مبنا قرار دادن دیدگاه این مفسران به این چالش مهم گرفتار نشود. میان علامه طباطبایی و شاگردان ایشان وجه افتراقی در بحث جامعیت دیده نمی‌شود و تنها وجه تفاوت در این باره به نوع استدلال بازمی‌گردد؛ البته یک استدلال آیت‌الله مصباح یزدی نمود ویژه‌ای دارد که ایشان جامعیت قرآن را به الفاظ ظاهری نمی‌داند؛ بلکه بواطن آن؛ که جز پاکان بدان دست نمی‌یابند را دلیلی بر جامعیت و جاودانگی این کتاب آسمانی معرفی می‌کند.

نتیجه بحث

مقاله حاضر پس از بررسی صورت گرفته به نتایج زیر دست‌یافته است: حوزه علوم انسانی گستره بسیار زیادی دارد که بخشی از آن مرتبط با تفسیر قرآن است که تفکرات بسیاری از پژوهشگران این حوزه را معطوف خویش ساخته است؛ اما دریافت‌های صحیح در عرصه قرآن در هر دانشی نیازمند رعایت اصول و ضوابطی است که عدم توجه به آن چالش‌هایی را ایجاد می‌کند.

قرآن از جامعیتی برخوردار است که بسیاری از حوزه‌ها را پوشش می‌دهد؛ اما بدان معنا نیست که قرآن کتاب علمی است؛ بلکه قرآن کتاب هدایتی است که برخی از علوم از جمله انسانی را مطرح کرده است. شایان توجه است که هر پژوهشگری در عرصه علوم انسانی بدون در نظر گرفتن مبانی صدوری تفسیر قادر نیست بتواند دریافت‌هایی صحیح منطبق با حوزه علمی خود باشد؛ اگرچه همین چالش‌هایی همچون صرفه، حادث بودن الفاظ قرآن کریم و تحریف قرآن در عرصه تفسیر از بین می‌برد و همین راستا راهبران به سوی قرآن را از این چالش‌ها محفوظ نگاه می‌دارد.

مهم‌ترین وجه افتراق علامه طباطبایی و شاگردان ایشان در مبانی صدوری تفسیر در دو اصل از بنیان‌های تحریف ناپذیری قرآن است که *آیت‌الله جوادی آملی*، استدلال علامه را در این موضوع کافی نمی‌داند و چنین مطرح می‌کند که با استدلال علامه *طباطبایی* نمی‌توان ثابت کرد که هر آنچه بر پیامبر(ص) نازل شده در مصحف کنونی

گرد آمده است. وجه افتراق دیگر در این اصل از مبانی صدوری تفسیر آن است که علامه در اثبات تحریف ناپذیری قرآن نگارش این کتاب آسمانی را در زمان پیامبر(ص) دانسته که پس از آن حضرت، قرآن جمع، تدوین و مابین دو جلد قرار گرفته است؛ اما *آیت‌الله جوادی آملی* جمع و تدوین و مابین‌الدفعتین قرار گرفتن این کتاب آسمانی را در زمان حیات حضرت(ص) دانسته که این سخن به صواب نزدیک‌تر است. وجه افتراق دیگر آن است که علامه در بحث وحیانی بودن الفاظ و معانی تأکید بیش‌ترشان بر لفظ است؛ در حالی که *آیت‌الله جوادی* تأکیدشان بر معنا است؛ البته هر دو لفظ و معنا را الهی می‌دانند؛ اما علامه لفظ را مقدم داشته و *آیت‌الله جوادی آملی* معنا را بر لفظ تقدم داده است.

کتابنامه

قرآن کریم.

- ابن انس، مالک. ۱۴۲۵ق. **موطأ الإمام مالک**، محقق: محمد مصطفی اعظمی، امارات: مؤسسه زاید بن سلطان آل نهیان للأعمال الخيرية والإنسانية.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی. بی تا، **فتح الباری بشرح صحیح البخاری**، چاپ سوم، بیروت: دار المعرفة للطباعة والنشر.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی. ۱۳۶۹ق. **متشابه القرآن ومختلفه**، قم: دار بیدار للنشر.
- اوسی، علی. ۱۳۸۱ش، **روش علامه طباطبایی در تفسیر المیزان**، مترجم: حسین میر جلیلی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- یازی، سید محمدعلی. ۱۳۷۸ش، **کاوشی در تاریخ جمع قرآن**، قم: کتاب مبین.
- بابایی، علی اکبر. ۱۳۹۱ش، **مکاتب تفسیری**، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۴ش، **معرفت شناسی در قرآن**، محقق: حمید پارسانیا، چاپ سوم، قم: نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۵ش، **هدایت در قرآن**، محقق: علی عباسیان، چاپ دوم، قم: نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۶ش، **سرچشمه اندیشه**، محقق: عباس رحیمیان، چاپ پنجم، قم: نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۸ش (الف)، **قرآن در قرآن**، محقق: محمد محرابی، قم: نشر اسراء، چاپ هشتم.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۸ش (ب)، **تسنیم**، محقق: جمعی از نویسندگان، قم: نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۹ش، **همتایی قرآن و اهل بیت (علیهم السلام)**، محقق: سید محمود صادقی، قم: نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۹۳ش (الف)، **قرآن میزان شناخت قرآن**، تحقیق و تنظیم: احسان ابراهیمی، چاپ هفتم، قم: نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۹۳ش (ب)، **نزاهت قرآن از تحریف**، محقق: علی نصیری، چاپ چهارم، قم: نشر اسراء.
- حلبی، علی اصغر. ۱۳۷۴ش، **آشنایی با علوم قرآنی**، چاپ چهارم، تهران: اساطیر.
- خویی، سید ابوالقاسم. بی تا، **البيان فی تفسیر القرآن**، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۱۴۱۲ق، **مفردات ألفاظ القرآن**، بیروت: دار القلم.

- الرمانی، علی بن عیسی، الخطابی، حمد بن محمد، الجرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمن. ۱۹۶۸م، ثلاث رسائل فی إعجاز القرآن، محقق: محمد خلف الله، چاپ سوم، مصر: دار المعارف.
- زرقانی، محمد بن عبدالعظیم. بی تا، مناهل العرفان فی علوم القرآن، بی جا: دار احیاء التراث.
- زرکشی، محمد بن عبدالله. ۱۴۱۰ق، البرهان فی علوم القرآن، بیروت: دار المعرفة.
- سیوطی، جلال‌الدین. ۱۴۲۱ق، الإیتقان فی علوم القرآن، چاپ دوم، بیروت: دار الکتب العربی.
- شاکر، محمد کاظم. ۱۳۹۴ش، مبانی و روش‌های تفسیری، چاپ دوم، قم: جامعه المصطفی (ص) العالمیة: دفتر برنامه‌ریزی و فن‌آوری آموزشی.
- صاحب، اسماعیل بن عباد. ۱۴۱۴ق، المحيط فی اللغة، محقق: محمدحسن آل یاسین، بیروت: عالم الکتب.
- طباطبایی، سید محمدحسین. ۱۳۸۸ش، قرآن در اسلام از دیدگاه تشیع، چاپ سیزدهم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین. ۱۳۹۰ق، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن. ۱۴۲۶ق، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار العلوم.
- طریحی، فخرالدین بن محمد. ۱۳۷۵ش، مجمع البحرين، محقق/مصحح: احمد حسینی اشکوری، چاپ سوم، تهران: مرتضوی.
- فلاح‌پور، مجید. ۱۳۹۲ش، مبانی، اصول و روش تفسیری ملاصدرا، چاپ دوم، تهران: مؤسسه انتشارات حکمت.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی. ۱۴۱۵ق، تفسیر الصافی، مقدمه و تصحیح: حسین اعلمی، چاپ دوم، تهران: مکتبه الصدر.
- کریمی، مصطفی. ۱۳۹۰ش، جامعیت قرآن کریم پژوهشی در قلمرو موضوعی قرآن، تهران: سازمان انتشارات فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- اللامردی، محمد زکریا. ۱۴۲۸ق، فصل الخطاب فی تحریف کتاب رب الأرباب، نجف اشرف: مؤسسه النجف الأشرف المانیة.
- مصباح یزدی، محمدتقی. ۱۳۹۴ش، قرآن‌شناسی (مجموعه کتب آموزشی معارف قرآن)، تحقیق و نگارش: محمود رجبی، چاپ ششم، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مصطفوی، حسن. ۱۴۳۰ق، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، چاپ سوم، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- مطرزی، ناصر بن عبدالسید. ۱۹۷۹م، المغرب، محقق/مصحح: محمود فاخوری و عبدالحمید مختار، حلب: مکتبه اسامة بن زید.

مطهری، مرتضی. ۱۳۹۲ش، آشنایی با قرآن ۱، چاپ سی و هفتم، تهران: صدرا.
معرفت، محمدهادی. ۱۳۹۶ش، تحریف ناپذیری قرآن، مترجم: علی نصیری، چاپ سوم، قم: تمهید.
معرفت، محمدهادی. ۱۴۳۳ق، صيانة القرآن من التحریف، چاپ سوم، قم: تمهید.
مکدرموت، مارتین. ۱۳۶۳ش، اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، مترجم: احمد آرام، تهران: مؤسسه
مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل شعبه تهران با همکاری دانشگاه تهران.
مؤدب، سید رضا. ۱۳۹۶ش، مبانی تفسیر قرآن، چاپ چهارم، قم: دانشگاه قم.
الهی، عباس. ۱۳۸۹ش، علوم قرآنی در تفسیر المیزان، قم: انتشارات زائر.

مقالات و پایان‌نامه‌ها

پارسایی، ته‌مین و سید محمدعلی ایازی. ۱۳۹۱ش، «توسعه‌پذیری معنا در تفسیر قرآن کریم»،
مجله مطالعات قرآنی، ۳ (۱۲)، صص ۱۴۴-۱۲۵.
حسینی، سید معصوم. ۱۳۹۲ش، «جامعیت قرآن از نگاه علامه طباطبائی»، معارف قرآنی، ۱۴ (۴)،
صص ۲۰-۷.
روستایی، زینب. ۱۳۸۹ش، «بررسی استدلال ادبی علامه بلاغی در رد روایات تحریف»، مجله
مطالعات قرآن، ۱ (۴)، صص ۷۸-۶۱.
مفتح، محمدهادی. ۱۳۷۸ش، «سیر تکاملی ردیه‌های نوشته‌شده بر فصل الخطاب حاجی نوری
(پایان‌نامه کارشناسی ارشد)»، دانشگاه اصول‌الدین، قم-ایران.

Bibliography

The Holy Quran .

Ibn Anas, Malek. 1425 AH, Mutta al-Imam Malek, researcher: Muhammad Mustafa Azami, UAE: Zayed bin Sultan Al-Nahyan Foundation for Charity and Humanity .

Ibn Hajar Asqalani, Ahmad Ibn Ali. No date, Fath al-Bari Besharh Sahih Al-Bukhari, third edition, Beirut: Dar al-Ma'rifah for printing and publishing .

Ibn Shahr Ashob Mazandarani, Mohammad Ibn Ali. 1990, similar to the Qur'an and different, Qom: Dar Bidar Lelnashr .

Osi, Ali. 2002, Allameh Tabatabai's method in interpreting Al-Mizan, translated by Hossein Mir Jalili, Tehran: Islamic Propaganda Organization .

Ayazi, Sayed Mohammad Ali 1999, Exploring the History of Quran Collection, Qom: Mobin Book. Babaei, Ali Akbar. 2012, Interpretive Schools, Qom: Research Institute and University .

Javadi Amoli, Abdullah 2005, Epistemology in the Quran, Researcher: Hamid Parsania, Third Edition, Qom: Esra 'Publishing .

- Javadi Amoli, Abdullah 2006, Guidance in the Quran, Researcher: Ali Abbasian, Second Edition, Qom: Asra' Publishing .
- Javadi Amoli, Abdullah 2007, Source of Thought, Researcher: Abbas Rahimian, Fifth Edition, Qom: Asra' Publishing .
- Javadi Amoli, Abdullah 2009 AH (a), Quran in Quran, researcher: Mohammad Mehrabi, Qom: Nashr-e Asra, eighth edition.
- Javadi Amoli, Abdullah, 2009, Tasnim, researcher: a group of writers, Qom: Asra Publishing .
- Javadi Amoli, Abdullah 2010, the counterpart of the Qur'an and the Ahl al-Bayt (PBUH), researcher: Seyyed Mahmoud Sadeghi, Qom: Nashr-Asra
- Javadi Amoli, Abdullah 2014, Quran, Quranic knowledge, research and arrangement: Ehsan Ebrahimi, seventh edition, Qom: Asra Publishing .
- Javadi Amoli, Abdullah, 2014, The Qur'an is free from distortion, Researcher: Ali Nasiri, Fourth Edition, Qom: Asra' Publishing .
- Halabi, Ali Asghar. 1995, Introduction to Quranic Sciences, Fourth Edition, Tehran: Asatir .
- Khoei, Sayed Abu al-Qasim. No date, Al-Bayyan Fi Tafsir Al-Quran, Qom: Foundation for the Revival of the Works of Imam Al-Khoi .
- Ragheb Isfahani, Hussein bin Muhammad. 1412 AH, the words of the Qur'an, Beirut: Dar al-Qalam. Al-Ramani, Ali Ibn Isa, Al-Khattabi, Hamad Ibn Muhammad, Al-Jorjani, Abdul Qahir Ibn Abdul Rahman. 1968 AD, three treatises on the miracle of the Qur'an, researcher: Muhammad Khalafullah, third edition, Egypt: Dar al-Ma'arif .
- Zarqani, Muhammad bin Abdul Azim, no date, the sources of mysticism in the sciences of the Qur'an, Bija: Dar Al-Ahya Al-Tarath .
- Zarkashi, Muhammad bin Abdullah 1410 AH, Al-Burhan Fi Uloom Al-Quran, Beirut: Dar Al-Ma'rifah. Siouti, Jalaluddin. 1421 AH, Al-Taqaan in the sciences of the Qur'an, second edition, Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi .
- Shaker, Mohammad Kazem, 2015, Fundamentals and methods of interpretation, second edition, Qom: Al-Mustafa (PBUH) International University: Office of Educational Planning and Technology. Sahib, Ismail Ibn Ebad. 1414 AH, Al-Mohit Fi Al-Loghat, researcher: Mohammad Hassan Al-Yasin, Beirut: Alam Al-Kotob.
- Tabatabai, Seyed Mohammad Hussein, 2009, Quran in Islam from the perspective of Shiism, 13th edition, Qom: Islamic Publications Office .
- Tabatabai, Seyed Mohammad Hussein, 2011, Al-Mizan in the interpretation of the Qur'an, second edition, Beirut: Scientific Foundation for Publications .
- Tabarsi, Fazl Ibn Hassan 1426 AH, Collection of Statements in the Interpretation of the Qur'an, Beirut: Dar al-Ulum .
- Tarihi, Fakhruddin bin Muhammad. 1996, Bahrain Assembly, researcher/ editor: Ahmad Hosseini Eshkori, third edition, Tehran: Mortazavi.
- Fallahpour, Majid, 2013, Fundamentals, Principles and Interpretive Method of Mulla Sadra, Second Edition, Tehran: Hekmat Publishing Institute .
- Faiz Kashani, Mohammad bin Shah Morteza. 1415 AH, Tafsir al-Safi, introduction and correction: Hussein Aalami, second edition, Tehran: Sadr school
- Karimi, Mustafa 2011, Comprehensiveness of the Holy Quran, A research in the thematic realm of the Quran, Tehran: Islamic Culture and Thought Publishing Organization .
- Al-Lamerdi, Muhammad Zakaria. 1428 AH, Fasl Al-Khattab Fi Tahrif Ketab Rabbalalamin, Najaf Ashraf: Al-Najaf Al-Ashraf Al-Mania Foundation .

Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi 2014, Quranology (collection of educational books on Quranic knowledge), research and writing: Mahmoud Rajabi, sixth edition, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications .

Mustafavi, Hassan 1430, research in the words of the Holy Quran, third edition, Beirut: Dar Al-Kitab Al-Elmiya .

Mutarazi, Nasser bin Abdul Sayed 1979, Al-Maghrib, researcher /editor: Mahmoud Fakhouri and Abdul Hamid Mukhtar, Halab: Osama bin Zayd School .

Motahari, Morteza 2013, Introduction to the Qur'an 1, thirty-seventh edition, Tehran: Sadra.

Marefat, Mohammad Hadi, 2017, The Non-distortion of the Quran, Translated by Ali Nasiri, Third Edition, Qom: Tamhid .

Marefat, Mohammad Hadi 1433 AH, the protection of the Qur'an from distortion, third edition, Qom: Tamhid .

McDermott, Martin. 1984, Sheikh Mofid Theological Thoughts, Translator: Ahmad Aram, Tehran: McGill University Institute of Islamic Studies, Tehran Branch in collaboration with the University of Tehran .

Moadab, Seyed Reza 2017, Basics of Quran Interpretation, Fourth Edition, Qom: Qom University. Elahi, Abbas. 2010, Quranic sciences in the interpretation of Al-Mizan, Qom: Zayer Publications .

Articles and dissertations

Parsai, Tahmineh and Seyed Mohammad Ali Ayazi. 2012, "Expandability of meaning in the interpretation of the Holy Quran", Journal of Quranic Studies, 3 (12), pp. 144-125 .

Hosseini, Seyed Masoom 2013, "The comprehensiveness of the Qur'an from the perspective of Allameh Tabatabai", Quranic knowledge, 14 (4), pp. 20-7 .

Rustaei, Zeinab 2010, "Study of Allameh Bolaghi's literary argument in rejecting distorted narrations", Journal of Quranic Studies, 1 (4), pp. 78-61 .

Mofateh, Mohammad Hadi 1999, "The Evolution of Rejections Written on the Chapter of Haji Nouri Al-Khattab (Master Thesis)", Osuloddin University, Qom-Iran.

The position of interpretation principles in solving interpretive challenges from the perspective of Allameh Tabatabai, Javadi Amoli and Mesbah Yazdi

Date of Receiving: September 11, 2018

Date of Acceptance: January 27, 2018

This article is an excerpt from a master's thesis.

Babak Hadian Heidari: M.Sc. Student, Theology and Islamic Studies - Quran and Hadith Sciences, Mazandaran University. applehdsahab@gmail.com

Mohammad Sharifi: Assistant Professor, Department of Quran and Hadith, Mazandaran University. m.sharifi@umz.ac.ir

Corresponding author: Mohammad Sharifi

Abstract

Interpretations of the Qur'an have attracted the attention of many scholars; But achieving a correct interpretation of the Qur'an requires examining the principles that led many to difficulties such as interpretation to vote in the long run of archeography. This article explains, analyzes and evaluates the principles of interpretation of the Holy Quran in solving interpretive challenges from the perspective of Allameh Tabatabai and two of his students, Ayatollah Javadi Amoli and Ayatollah Mesbah by a descriptive-analytical method. Ayatollah Javadi Amoli and Ayatollah Mesbah Yazdi, in order to be influenced by their master, have accepted some of these principles; But the most important aspect of the difference between Allameh and these disciples is the fact of non-distortion that Ayatollah Javadi Amoli has considered the arrangement of surahs and the compilation of the Qur'an during the life of Prophet (PBUH) which is against Allameh and in another part of this principle, this student considers Allameh's argument ineffective and insufficient in proving non-distortion.

Keywords: Revelation, Influence, Non-distortion, Comprehensiveness.